

آیا دین زرتشت شکست خورد؟

دکتر علی‌اکبر افراصیاب‌پور

عضو هیات علمی دانشگاه

تکیه دارد. از همه جالب‌تر این که دین شادی و جشن است. یعنی ایرانیان در همه‌ی سال در حال شادمانی بوده‌اند. جشن‌های ماهانه، جشن نوروز، جشن چهارشنبه سوری، جشن مهرگان، جشن زایش زرتشت، جشن سده، جشن سپرسور، جشن‌های گاهان بار و... که در مقایسه با ادیان دیگر (غیر از اسلام) پیش‌رفته‌تر به نظر می‌رسد. علاوه بر این که محدودیت‌های آن ادیان را نیز ندارد. با آن همه اساطیر زیبا و کهن، با آن همه فرهنگ و تمدن و آثار هنری و صنعتی و مانند این‌ها، چرا ایرانیان، به این دین پشت کردند؟!

در این نوشتۀ به یکی از اصلی‌ترین دلایل روی گردانی مردم ایران از دین زرتشت پرداخته می‌شود. برخی از مورخین نوشتۀ‌اند ایرانیان برای نجات از مالیات سنگین از دین خود برگشته‌اند و برخی دیگر برق شمشیر را موثر دانسته‌اند. در حالی که نه مردم ایران برای سود مادی و منفعت‌طلبی و نه از روی ترس به اسلام روی آورده‌اند. چنین تحلیل‌هایی توهین آشکار به ایرانیان است. این فشارها و محدودیت‌ها تنها در دوره‌ی اولیه‌ی اسلام بوده و گرایش به اسلام در قرن‌های بعدی صورت گرفته است. گروهی دیگر نیز چنین تحلیل کرده‌اند که مردم ایران همگی اصول مترقبی دین اسلام را مطالعه کرده و با نقد و بررسی ادیان به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام بهترین دین است. چنین عقیده‌بی هم به دور از واقعیت است. نه این که اسلام بهترین دین نباشد، بلکه از این نظر که مردم ایران در دوره‌ی ساسانی، به قول همین تحلیل‌گران بی‌سواند بوده و تحصیل دانش به طبقه‌ی خاص اختصاص داشته و برای شاهد مثال همان ماجراهی کفشه‌گر را نقل می‌کنند. مردم ایران امکانی برای چنین مطالعه‌ی نداشتند.

واقیت این است که سلسۀ ساسانیان از سال ۲۲۴ میلادی تا حدود ۶۵۱ میلادی یعنی بیش از چهارصد سال در این سرزمین حکومت مطلقه داشته و در حقیقت حکومت و قدرت به دست روحانیون زرتشتی افتاده بود و آن‌ها دین و حکومت را یکی کرده بودند. استفاده‌های ابزاری از دین می‌کردند و همه‌ی احکام حکومتی را دستور خدا و زرتشت جلوه‌می‌دادند و هر مخالفی را مرتد و کافر دانسته از بین می‌بردند. آن قدر خرافات در دین وارد کردند و به نفع خود قوانین جدید وضع کردند که دین زرتشت را پیش از حمله‌ی اعراب، از بین بردن و این روحانیون از چنان قدرتی برخوردار بودند که پادشاهان را از تخت پایین می‌کشانند. از راه‌های به ظاهر شرعی بزرگ‌ترین ثروت‌ها و

یادداشت گردآورنده و ویراستار

این مقاله، شاید از جهت فرهنگی، تاریخی و مذهبی، برای بسیاری از خوانندگان، بحث برانگیز باشد؛ اما ما به چند دلیل چاپ آن را روا دانستیم:

۱- هر عقیده و نظری باید آزادانه ارائه شود.

۲- عقیده و اندیشه‌ی شخصی گردآورنده و ویراستار، معیار و ملاک صدق و کذب یک مقاله نیست و نباید سانسور شود.

۳- این مجموعه‌ی مقالات، به‌طور عام منتشر نمی‌شود و در دسترس عوام قرار نمی‌گیرد، بلکه ویژه‌ی اهل اندیشه و فرهنگ است که خود صاحب‌نظر و اهل استدلال اند.

۴- قرآن مجید می‌گوید: *فَبِشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ، فَيَتَبَعُونَ أَحْسَنَهُ.* ولتر هم می‌گوید: من صد در صد با نظر تو مخالفم، اما حاضرم جانم را فدا کنم که تو آزادی اظهار عقیده‌ات را داشته باشی.

□ یکی از پرسش‌هایی که ذهن هر دانش‌دوست ایرانی را به‌خود مشغول می‌سازد، این است که چرا ایرانیان در حمله‌ی اعراب از دین هزار ساله‌ی خود حمایت نکردند. (البته این بحث در مورد دین زرتشت است و امتیازهای دین اسلام را نادیده نمی‌گیرد) و گام‌به‌گام به‌سوی دین اسلام پیش رفتند و بالآخره ایران اسلامی شد! در یک پژوهش تحقیقی درباره‌ی دین زرتشت نتایجی به دست آمد که یکی از موارد آن برای خوانندگان عزیز این مجله خواندنی است.

اگر مطالعه‌ی درباره‌ی ادیان داشته باشید، در می‌باید که دین زرتشت بهترین ویژگی‌های یک دین را (مانند اسلام) دارد. یکتاپرستانه بوده؛ اهورامزدا آفریننده‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌های است؛ بهترین اصول را برای اصلاح فرد و جامعه دارد، یعنی «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک»؛ دارای فلسفه‌ی خوش‌بینی است، یعنی در نهایت به پیروزی حق و خوبی عقیده دارد و آینده‌ی روش برای بشریت ترسیم می‌کند؛ علم دوست و پیرو اصلاح انسان است؛ نظافت و پاکی را بیش از همه‌ی ادیان رعایت می‌کند؛ به اراده‌ی آزاد انسان عقیده‌دارد و جبر و تقديرگرایی را نفی می‌کند؛ انسان‌ها را برابر و آزاد می‌خواهد؛ به عدالت پاییند است؛ برای طبیعت و عناصر آن احترام فوق العاده قائل است؛ چنان زمینه‌هایی مناسبی برای پیشرفت داشته که ایران زمین را تا بزرگ‌ترین امپراتوری جهان ارتقا می‌دهد؛ حقوق زن را به‌طور عجیبی در آن عصر محترم شمرده و به تک‌همسری

داشت. تا آن جا که بسیاری از آداب و رسوم و عقاید زرتشتی را هم هرگز رها نکردند و به طور صحیح و محترمانه تا به امروز حفظ و نگهداری کردند.

نتیجه این که دین زرتشت هرگز شکست نخورد، دستگاه حکومتی روحانیون ساسانی شکست خورد. این دین به اصالات‌های خود برگشت و مضامین حکیمانه‌ی خود را در لباسی جدید عرضه نمود. قهرمانان این انقلاب فرهنگی ایرانیان باهوش و اندیشه‌مندی بودند که به جنگ و خوبیزی عقیده نداشتند و بهترین اسلحه را قلم و اندیشه می‌دانستند. لشگری که در چند دهه از غرب تا شرق ایران را فتح کرد از همان راه در حدود سال ۱۳۲ هجری شکست خورده و عقب‌نشینی کردند. ایرانیان در همه‌ی عرصه‌های امپراتوری اسلامی نفوذ کرده و همه‌ی طرح‌ها، برنامه‌ها، دانش‌ها و بینش‌ها را رهبری می‌کردند.

هر دین و مذهبی تاریخی پُر از پستی و بلندی را پشت‌سر گذاشت، عناصری را پذیرفته و اندیشه‌هایی را به فراموشی سپرده است، این سرنوشت همه‌ی ادیان و مذاهب است. اگر پیروان یک مکتب و مذهب گاهی اندک و گاهی فراوان بوده است، ربطی به حق یا باطل بودن آن ندارد، چرا که اندیشه با معیار اندیشه سنجیده می‌شود و این بحثی تخصصی و مربوط به خواص است. عوام بیش تر تابع عامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عصر خود هستند.

نایاب فراموش نمود که گاهی مردم با فرهنگ یک سرزمین عقاید و یافته‌های فرهنگی خود را در لباس‌های جدید ارائه می‌دهند و دستاوردهای تمدن گذشته‌ی خود را حفظ می‌کنند و می‌دانند که اندیشه نمی‌میرد، اما مهاجرت می‌کند.

گاهی اقوام غیرمتمندن نیز در برخورد با اقوام متمندن تربیت می‌شوند و رشد می‌کنند. چنان که مجبور هستند طرح و برنامه‌ها و دانش‌های مورد نیاز خود را بیاموزند، اگرچه گمان کنند که غالب شده‌اند.

در دوران معاصر یک روز کمونیسم نیمی از دنیا را گرفته بود و نماد عدالت و برابری بود و سرمایه‌داری ظالمانه‌ترین نظام به‌شمار می‌آمد و جوانان برای نابودی آن خون می‌دادند، چند سال بعد همان جوانان با کمونیسم چنگیدند و رژیم سرمایه‌داری را عادلانه‌ترین و بهترین نظام ممکن ارزیابی می‌نمایند. اما تمدن‌ها و فرهنگ‌های باسابقه و اصیل و بزرگ مانند تمدن ایرانی هرگز از بین نمی‌روند، اندیشه‌های عمیق خود را در لباس‌های مختلف حفظ کرده و به رشد خود ادامه می‌دهند، اگرچه عناصری را از خارج بگیرند یا عناصری را از دست بدهنند. در تاریخ گذشته‌ی اقوام مهاجم و بدیوی می‌خوانیم که با پیروزی‌های نظامی هم صاحب فرهنگ و تمدن نمی‌شوند، بلکه اگر رشد کنند به این نتیجه می‌رسند که باید از دستاوردهای فرهنگی ملل تمدن استفاده کنند و برای هر سازمان و برنامه‌ی از الگوهای آن‌ها استفاده کنند. امروزه بعد از هزار و چهارصد سال عمردهی تمدن و فرهنگ اسلامی ساخته‌ی ایرانی و مدیون ایرانیان است. اگر عمیق‌تر نگاه شود، مدیون دین زرتشت است. در قرآن مجید هم آمده که فرقی بین پیامبران نیست و همه‌ی آن‌ها یک پیام معنوی را دنبال کرده‌اند و از دستاوردهای هم استفاده نموده‌اند. ■

سرمایه‌های کشور را به خود اختصاص داده بودند.

روحانیون عصر ساسانی چنان دستگاه عربیض و طویلی برای خود ساخته بودند که بر همه‌ی جنبه‌های زندگی خصوصی، فردی و جمعی مردم نظارت نموده و بر هر چیزی جرمیه می‌بینی می‌ستند. هر ایرانی به بهانه‌های مختلف و عجیب و غریب در یک روز بارها و بارها گناه کار محسوب می‌شد و باید جرمیه می‌پرداخت و اعتراض به گناه می‌کرد. از پیش از تولد تا پس از مرگ را حوزه‌ی دخالت خود قرار داده و مردم را به ستوده آورده بودند. یکی از دلایل پیدایش دین مزدک و مانی، تلاش برای نجات از چنین اوضاعی بود. چنان که ادیان بودایی و مسیحی نیز در ایران رو به گسترش داشتند. در آن عصر حتاً عطسه‌کردن، آرایش مو، ناخن‌گرفتن، حرفزدن در موقع غذا و... این‌ها هم گناه به‌شمار می‌آمد. موبدان، دستگاه قضایی، تعییم و تربیت نظارتی و ده‌ها مقام دیگر را در اختیار داشتند و در نهایت به مردم اثبات کرده بودند که حکومت ساسانی با دین زرتشت یکی است. مردم نیز فرار از احکام حکومت را فرار از احکام دین زرتشت قلمداد می‌کردند. ایرانیان در حمله‌ی اعراب فقط خود را کنار کشیدند، یعنی از چنین دین و حکومتی که یکی شده بودند، حمایت نکردند. پادشاهان ساسانی که خود موبد به‌شمار می‌آمدند، سلطنت و دین را دو همزاد جلوه داده و عقیده داشتند که این دو بدون هم دوام ندارند و مردم نیز به همین نتیجه رسیده بودند. مانند اروپا در قرون وسطی که از مسیحیت چنان چهره‌بی ترسیم شده بود که بسیاری به‌طور کلی از دین بیزار شدند، یکی از دلایل روی‌گردانی ایرانیان از دین زرتشت همین بود.

درست است که ایرانیان به تدریج اسلام را پذیرفتند. اما نکته‌ی مهم‌تر این است که ایرانیان به قرن‌های اولیه‌ی اسلامی انقلابی فرهنگی برپا کردند و در آن، هم به ایران و هم به اسلام یاری رساندند. به این ترتیب که دین زرتشت را از بدعت‌ها و خرافات پیراستند و آموزه‌های اصیل زرتشت را با آموزه‌های دین اسلام آشتبانی داده و پیام اصیل و الهی هر دو دین را مشترک یافتند. آن‌ها فرهنگی تلفیقی و جدید نوشتند که آن فرهنگ بعدها فرهنگ اسلامی نام گرفت و هم فرهنگ ایرانی بود. این ماجرا در قرن‌های متوالی دنبال شده و مردم ایران به چنین دینی ایمان آورده‌اند. روس‌تاییان ایران زمین در فاصله‌ی قرن چهارم تا هفتم هجری اسلام آورده‌اند. زیرا این پیام دیرتر به آن‌ها رسیده است. نمازهای پنج گانه‌ی زرتشتی، اعتقاد به بهشت و جهنم و معاد زرتشتی، یکتپرستی، طهارت، دیدگاه مشترک درباره‌ی آفرینش، مشی و مشیانه یا آدم و حوا، پل چینوت یا پل صراط، خدایی که نور است، اصول مشترک اخلاقی، پیشوایی‌های مشترک، اعتقاد به منجی موعود، سوشیات و ده‌ها مورد دیگر که همان پیام‌های اصلی زرتشت بودند. با این انقلاب فرهنگی ایرانیان فرهنگ و اندیشه و دانش و بینش جدیدی به وجود آورده‌اند که تلفیقی بود و از این راه به اسلام کمک کردند، زیرا همه‌ی اسلامی علوم و دانش‌های جدید را برای اعراب نوشتند و یا اختراع کردند. حتاً صرف و نحو عربی را ایرانیان نوشتند، از تفسیر قرآن تا جبر و مقابله را اندیشه‌ی ایرانی در حوزه‌ی تلفیقی و با رنگ ایرانی فراهم نمود. در این فرهنگ همه‌ی عناصر برجسته‌ی فرهنگ ایران باستان حضور